

قطعه نامه در مورد فدرالیسم در ایران

سند فدرالیسم

مقدمه:

در ایران ما، دستیابی به جامعه‌ای دموکراتیک، آزاد و آباد، خواست محوری اکثریت عظیم ساکنان آن است. علاوه بر موازین عام در حوزه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و نیز اتکا به رای آزادانه و مستقیم مردم، که از خصلتهای اولیه نظامی دموکراتیک به شمار می‌آیند، پاسخگویی به نیازمندیهای گوناگون ساکن ایران، برای تضمین برابر حقوقی و مشارکت آنان در اداره امور جامعه، در زمره چالشهای کنونی و واقعی جامعه ما قرار دارد. سازمان ما از آغاز و تاکنون بر این باور بوده و هست که کشور ما ایران، سرزمین مشترک مجموعه‌های متفاوتی چه به لحاظ ملی، زبانی، فرهنگی و چه از نظر مذهب و مسلک، بوده است. کثیرالمله بودن ایران از این واقعیت تاریخی نشأت گرفته و خود را به عینه در بافت کنونی آن نشان می‌دهد.

حاکمیت سیاسی در ایران اما تا به امروز، نه تنها نماد خواست و اراده همه اجزای تشکیل دهنده آن، نبوده، بلکه با پایمالی مستمر حقوق دموکراتیک غالب آنها، علاوه بر همه مشکلات عمومی در جامعه، ستم افزونی را به آنها روا داشته و می‌دارد. این ستم که دوگانه و یا مضاعف خوانده می‌شود، با سرکوب مستمر در طول تاریخ تداعی شده که عبارت از تحمیل فشارهای مضاعف به صرف تعلق به یکی از گروه‌بندی‌های اجتماعی تشکیل دهنده جامعه ماست که در زمره زبان، فرهنگ و مناسبات مورد پذیرش حاکمیت مسلط و یا رسمی به شمار نمی‌آیند. از طرف دیگر این ستم، خود را بویژه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، به خاطر در حاشیه نگاه داشتن غالب مناطق متعلق به این گروه‌بندی‌ها، نشان داده که موجبات نابرابری و تبعیض جدی و غیرقابل کتمان شده است که نتایج آن به عینه قابل مشاهده است.

شکل‌گیری و رشد جنبشهای ملی-دموکراتیک در میان ملیتهای تحت ستم ایران در دوره معاصر، ناشی از تبعات فوق بوده و اکنون به یکی از پایه‌های جنبش سراسری در ایران مبدل گشته است. بنابراین تبعیض و ستم ملی در ایران، مساله‌ای واقعی است که انکار آن به هر عنوان، کمکی به حل آن نمی‌کند. تلاش برای حل دموکراتیک و مسالمت‌آمیز مساله ملی بر مبنای حق تعیین سرنوشت و اراده آزاد مردم هر منطقه در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و فرهنگی آنان بسیار اهمیت دارد. از طرف دیگر، راه مقابله با گرایش‌های جدائی طلبانه و جلوگیری از تصادم و تنازع میان همه ملل ساکن ایران که طی قرن‌ها و نسل اندر نسل درکنار هم زندگی کرده اند، تامین برابری حقوق کامل و برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت آنهاست. تنها راه حفظ یکپارچگی ایران، اتحاد داوطلبانه و آزادانه ملیتهای ایران و پشتیبانی و دفاع از حق آنها در تعیین سرنوشت خویش است. سازمان ما از جمله نیروهائی است که با به رسمیت شناختن این حق و حقوق، همواره برای تحقق آنها تلاش نموده و می‌نماید. از جمله و در آخرین کنگره (هشتم)، قرار زیر را صادر نموده بود:

«تامین حقوق دموکراتیک ملیت‌های ساکن ایران در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، دفاع از اتحاد داوطلبانه این ملیتها در چارچوب کشور ایران و استقرار برابر حقوقی همه ملیت‌ها و اقوام ایرانی اعم از فارس، آذری، کرد، ترکمن، عرب، بلوچ و... که ملت ایران را تشکیل می‌دهند.»

همچنین با توجه به مباحثی که در مورد ارائه شکل نظام حکومتی به میان آمده بود، کنگره هشتم بند زیر را در اسناد خود به تصویب رساند:

«سپردن اداره امور به دست منتخبین مردم در سراسر کشور، انتخاب شکل مناسب برای عدم تمرکز قدرت در دولت مرکزی از جمله فدرالیسم به عنوان یک شکل مناسب و شناخته شده در سطح بین‌المللی»

براساس مبانی فوق، که در اسناد تا کنونی سازمان ما آمده است، کنگره نهم، قرار زیر را صادر می‌کند:

قرار کنگره نهم:

مضمون و شکل حاکمیت پیشنهادی برای آینده ایران، می‌بایست با خواست و هدف تامین برابر حقوقی همه اجزای تشکیل دهنده جامعه ایرانی، منطبق باشد. ارکان چنین حاکمیتی، از جمله، غیرمتمرکز بودن آن همراه با تامین تقسیم قدرت سیاسی است.

با توجه به تجارب عیدیه جهانی، شکل شناخته شده و مناسب چنین نظام و حاکمیتی، فدرالیسم است. نظام فدرال، مبتنی بر قدرت سیاسی دوگانه‌ای است که طبق آن، از یک طرف، در هر محدوده مشخص شده‌ای، حاکمیتی داخلی به عهده نمایندگان منتخب ساکنان آن محدوده شکل گرفته و از طرف دیگر با دیگر محدوده‌ها، حاکمیتی سراسری و مشترک را برای اعمال قدرتی

واحد و یگانه به اجرا می‌گذارند.

در برخی جوامع که از همگونی کم و بیش واحدی به لحاظ ترکیب تاریخی برخوردارند، فدرالیسم، به عنوان شکل مناسب اعمال حاکمیت برگزیده شده است اما برای جامعه ما، فدرالیسم از دو جنبه دیگر هم می‌تواند حائز اهمیت باشد. نخست امکان مناسبی برای حل دموکراتیک مسئله ملی در ایران و دوم وسعت و تنوع جغرافیایی کشور ماست که با دارا بودن چنین نظامی، می‌تواند از بسیاری از معضلات تاکنونی و ناشی از یک حاکمیت متمرکز، بکاهد.

تعیین محدوده و حوزه حاکمیت مجموعه‌های تشکیل‌دهنده جامعه ایرانی، که قصد دارند حاکمیت سیاسی واحدی را همراه و در کنار هم اعمال کنند، در چگونگی تعیین مناسبات این محدوده‌ها در حوزه قدرت سیاسی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

با توجه به تجارب کشورهای مختلف که چنین شکل حکومتی در آنها اعمال می‌شود، آنچه که برای جامعه ما می‌تواند مدنظر باشد، تعیین محدوده‌های متفاوت مبتنی بر دو شاخص زبان و جغرافیایی واحد است. در ایران، این دو مشخصه با واقعیت

وجودی اجزا تشکیل‌دهنده ایران، که کم و بیش در محدوده‌های جغرافیایی مشخصی قرار دارند، خوانائی بیشتری دارد ما می‌پذیریم که با توجه به گرایش‌های گوناگون و نیز گستردگی نگاه به آینده جامعه، قرار دادن یک شکل و یا یک شاخص به عنوان شرط از طرف گرایش‌های قکری، تلاش برای تفاهم در این عرصه را بسیار ناهموار می‌کند.

لازمه تفاهم و توافق میان غالب نیروهای سیاسی که به دموکراسی و آزادی می‌اندیشند، در درجه نخست، پذیرفتن واقعیت جامعه ما یعنی متنوع بودن آن به لحاظ ملی، زبانی و فرهنگی از یکطرف و از طرف دیگر تامین حقوق دموکراتیک و برابر، برای همه تشکیل‌دهندگان آن می‌باشد تا گام‌های جدی در نفي هرگونه تبعیض و نابرابری و نیز ستم ناشی از تعلق به این یا آن مجموعه، برداشته شود. در چنین مسیری و با خواست تامین حاکمیتی غیرمتمرکز در ایران است که می‌تواند مباحثات سازنده و راهگشایی، بر سر اشکال حکومتی، مختصات تعیین هر محدوده و حوزه‌ای با استفاده از تجارب تاکنونی در پهنه گیتی و بررسی همه جانبه تمامی زوایایی که این موضوع، در برمی‌گیرد، صورت پذیرد.

ما به مثابه نیروئی چپ و ترقیخواه بر این باوریم که فدرالیسم یک شکل مناسب حکومتی برای عدم تمرکز، تقسیم قدرت مرکزی و حل دموکراتیک مساله ملی در ایران می‌باشد.